

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)

عنوان:

شیوه‌های داستان‌پردازی در داستان‌های کوتاه سیمین دانشور

نگارش:

الناز عزتی

استاد راهنما:

دکتر رحیم کوشش

۱۳۸۹/۲/۸

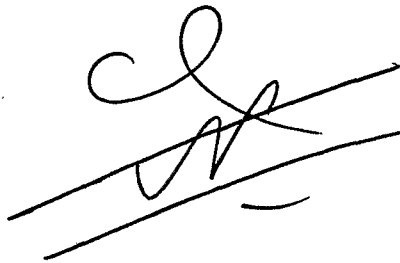
توجه: اطلاعات مذکور علمی بران
تسبیه در آن

بهمن ۱۳۸۸

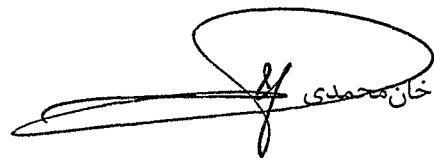
۱۳۸۷۰۴

پایان نامه خانم «الناز عزتی» با عنوان «شیوه‌های داستان‌پردازی در داستان‌های کوتاه
سیمین دانشور»، به شماره ۲۷۷ - ۲ الف، در تاریخ ۸۸/۱۱/۱۱ با رتبه عالی و نمره ۲۰ (سبب)
مورد پذیرش هیأت محترم داوران قرار گرفت.

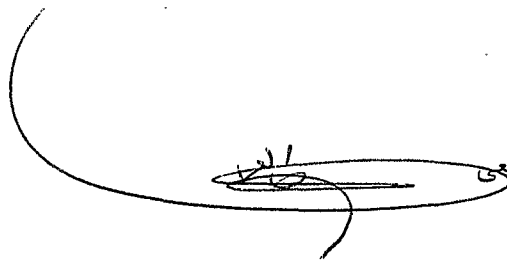
۱- استاد راهنما و رئیس هیأت داوران: دکتر رحیم کوشش



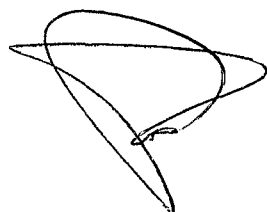
۲- داور خارجی: دکتر محمدحسین خان محمدی



۳- داور داخلی: دکتر محبوب طالعی



۴- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر مسعود بیات



رساله شهرزاد قصه‌گوی معاصر پیشکش به:

- شه زن مهر و ایثار، تبلورگاه کانونی‌ترین احساسات ناب عاشقی، مادر فداکارم. آنکه در لحظه‌های نیازمندی دستم بگرفت و پا به پا برد و اگر هنوز شیوه راه رفتن نیاموخته‌ام، البته علتش بسست پایی من است نه آموختن او. آنکه نشان داد می‌توان در رزم‌گاه زندگی زن بود و مردانه گام برداشت...
- تقدیم به آنان که درد برایشان معنای دیگری دارد...
- تقدیم به تمامی آنان که چشمانم را به باورهای تلخ لیکن گواراتر از شهد گشودند...

تقدیر و تشکر

هیچ اثری هر چند کوچک، به ناگهان ظهور نمی‌کند و عوامل و نیروهای بسیاری دست به دست هم می‌دهند تا اثری خلق شود.

از استاد راهنمای بزرگواریم جناب آقای دکتر «کوشش» و داور داخلی جناب آقای دکتر «طالعی» که در امر تحصیل اسوه و الگویی در تکوین اندیشه‌هایم بودند و جناب آقای دکتر «خان محمدی» به عنوان داور خارجی و سایر اساتید بزرگواری و گرنامه‌ی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات ارومیه بسیار سپاس گزارم. از دبیران فرهیخته ادبیات شهرستان تکاب در دوران دبیرستان، جناب آقای زرین‌تره، خانم‌ها: افشاری، احمدی، عبودی که همواره مشوق بنده در امر تحصیل بودند به خاطر دلگرمی‌هایشان بی‌کرانه‌ترین سپاس‌ها را دارم.

این رساله گرچه به قلم نگارنده بود. اما تلاش‌های بی‌شائبه دوستان به‌ویژه همکلاسی‌ها و هم‌خوابگاهی‌هایم ستودنی است. همکلاسی‌های هم‌نفسم خانم‌ها: فاطمه نادری، شنوای حرف‌هایم که کمک‌های قابل توجهی در جهت پیشبرد رساله‌ام انجام داده‌اند، کمال سپاس را دارم و برایشان آرزوی فرداهای روشنی را از ایزد یکتا خواهانم. منا همتی، حضور پیوسته در خستگی‌هایم و نصیبه سرخوش نهاد، دلسوز لحظه‌هایم، که اگر یآوری‌هایشان در مسائل جانبی انجام رساله نبود، رساله با سختی دوچندانی به اتمام می‌رسید. همچنین از دوستان صمیمی خانم‌ها: فروهر محمدی، گودرزی، قاسم کریمی، هاجر محمدی، وقار نقی زاده، امیر خسرو، مریم فخرایی، عبدالکریمی، توکلی و اسماعیل زاده به ویژه سرکارخانم سارا شاعری که مساعدت‌های بسیاری در تایپ رساله نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

از دوستان مهربان خانم‌ها: جلال زاده، عرب، زهرانوری که در تهیه کتب مربوط همکاری‌های لازم را نمودند نیز سپاس‌گزاری می‌نمایم.

از جناب آقای «محسنیان‌فر» که در رفع مشکلات تایپی و آماده‌سازی مراحل فنی پایان‌نامه مرا شرمسار بزرگواری‌هایشان ساختند صمیمانه‌ترین سپاس‌ها را دارم. از خداوند منان برایشان توفیقات روزافزون خواستارم. از کتاب‌داران کتابخانه‌های ارومیه به ویژه آقایان: «مرامی» و مسئول کتابخانه ادبیات «جوانی» به خاطر صبوری‌هایشان در مقابل پافشاری‌های نگارنده در اخذ کتاب کمال سپاس را دارم.

از سرپرست محترم خوابگاه مقدم جناب آقای «قلی زاده» که تسهیلات و امکانات رفاهی بنده را در طی تحصیل فراهم نموده‌اند، تشکر و قدر دانی می‌کنم.

از آقایان: ملکی، لطفی، پری‌خانی، حسام منصور نیا، اکبری، ریحانی نیا، انصاری که در روزهای گرم و سرد فصول، در مسیر سنگی و پر شیب و فراز دانشگاه این جانب را برادرانه و از سر جوانمردی مشایعت نمودند، نهایت تشکر را دارم، نفس‌هاشان گرم.

از مسئولین محترم سایت دانشکده ادبیات آقایان: جعفری، مسئول سابق، حسین برهانی که همواره ساعات استفاده از سایت را برای حقیر فراهم می کردند تشکر و قدر دانی می نمایم.

انجمن اطلاعیه مرکز علمی بزرگ
تهران - تهر

فهرست

۱	دیباچه
۴	فصل اول
۴	زندگی نامه سیمین دانشور
۴	۱-۱ تولد، خانواده
۴	۲-۱ تحصیلات
۵	۳-۱ فعالیت ها
۵	۴-۱ دانشور و آل احمد
۷	۵-۱ ویژگی های شخصیتی سیمین دانشور
۷	۶-۱ آثار سیمین دانشور
۷	۱-۶-۱ ترجمه ها
۷	۲-۶-۱ مقالات
۸	۳-۶-۱ تألیفات
۸	۴-۶-۱ آثار داستانی
۸	۱-۴-۶-۱ داستان های بلند
۸	۲-۴-۶-۱ داستان های کوتاه
۸	الف) آتش خاموش
۹	ب) شهری چون بهشت
۱۰	ج) به کی سلام کنم؟
۱۱	د) انتخاب
۱۳	۷-۱ شیوه داستان نویسی سیمین دانشور
۱۹	فصل دوم
۱۹	ادبیات داستانی
۱۹	۱-۲ تعاریف

۱۹	داستان ۱-۱-۲
۱۹	ریشه لغوی داستان
۲۰	تعریف داستان
۲۰	داستان در مفهوم عام
۲۱	داستان در معنای خاص
۲۲	داستان به مفهوم هنری
۲۲	۲-۱-۲ ادبیات داستانی
۲۲	۱-۲-۱-۲ تعریف قصه (Tale)
۲۲	ریشه لغوی قصه
۲۳	تعریف قصه
۲۳	تاریخچه قصه
۲۵	ویژگی های قصه های عامیانه
۲۷	۲-۲-۱-۲ رمانس
۲۷	تاریخچه رمانس در اروپا
۲۸	پیشینه رمانس در ایران
۲۸	ویژگی های رمانس
۲۸	فرجام رمانس در ایران
۲۸	۳-۲-۱-۲ تعریف رمان
۲۹	تاریخچه رمان
۳۰	اختلاف رمانس با رمان
۳۲	دگردیسی رمان
۳۲	پیشینه ورود رمان به ایران
۳۳	فرجام رمان
۳۴	۴-۲-۱-۲ داستان کوتاه
۳۵	تعریف داستان کوتاه

۳۵	ویژگی داستان کوتاه.....
۳۶	۲-۲ داستان کوتاه.....
۳۶	۱-۲-۲ پیدایش داستان کوتاه.....
۳۷	۲-۲-۲ آغازگران داستان کوتاه.....
۳۸	۳-۲-۲ نوآوران داستان کوتاه.....
۳۸	گوگول(سر آغاز واقع گرایی در داستان).....
۳۹	آلن پو(پایه گذار داستان های پلیسی و علمی).....
۴۰	موباسان(واقع گرای ناتورالیست و اشتهار در داستان های حادثه پردازانه).....
۴۱	چخوف(تجسم بخش زوایای پنهان زندگی).....
۴۲	جویس(اسلوب ظهور و تجلی).....
۴۳	کافکا(سخن گوی ذهن ناآرام بشر).....
۴۴	آهنری(داستان های لطیفه وار).....
۴۵	همینگوی(نثر امپرسیونیست).....
۴۶	۳-۲ روند تکاملی داستان کوتاه نوین در ایران.....
۴۶	۱-۳-۲ عوامل تحول داستان نویسی در ایران.....
۴۷	۲-۳-۲ دوران تکوین.....
۴۹	۳-۳-۲ دوره رشد و توسعه.....
۵۰	۴-۳-۲ دوران تطور.....
۵۱	۴-۲ پیشگامان داستان نویسی در ایران.....
۵۶	۵-۲ داستان نویسی زنان.....
۵۹	فصل سوم.....
۵۹	شیوه های داستان پردازی.....
۶۱	فصل چهارم.....
۶۱	روایت و زاویه دید.....

- ۶۱ ۱-۴ روایت و روایت گری
- ۶۳ ۲-۴ تعریف زاویه دید
- ۶۳ اهمیت زاویه دید در داستان کوتاه
- ۶۴ ۳-۴ زاویه دید بیرونی
- ۶۴ الف- دانای کل
- ۶۵ ۱- راوی غیر شخصی یا غیر فضولی
- ۶۶ ۲- راوی مفسر و راوی فضول
- ۶۶ ب- دانای کل محدود
- ۶۷ ۴-۴ زاویه دید درونی
- ۷۳ ۵-۴ تکنیک تغییر زاویه دید
- ۷۳ جریان سیال ذهن
- ۷۵ تک‌گویی درونی
- ۷۶ حدیث نفس
- ۷۶ تکنیک خواب در خواب
- ۷۸ بازگشت به گذشته (flash back)
- ۷۸ ۶-۴ تکنیک فُرا داستان
- ۸۳ ۷-۴ زمان پریشی
- ۸۴ ۸-۴ تکنیک داستان در داستان
- ۸۵ فصل پنجم
- ۸۵ شخصیت و شخصیت پردازی
- ۸۵ ۱-۵ پیشینه شخصیت شناسی
- ۸۸ ۲-۵ ریشه لغوی شخصیت
- ۸۹ ۳-۵ تعریف شخصیت

- ۴-۵ انواع شخصیت ۹۰
- شخصیت اصلی ۹۰
- شخصیت مخالف ۹۰
- شخصیت مقابل ۹۱
- شخصیت همراز ۹۱
- ۵-۵ انواع شخصیت از نظر تحول پذیری ۹۱
- شخصیت ایستا ۹۱
- شخصیت پویا ۹۲
- ۶-۵ شرایط تغییر و تحول شخصیت ۹۲
- شخصیت قالبی ۹۳
- شخصیت قراردادی ۹۳
- شخصیت نوعی یا تیپیک ۹۴
- شخصیت های تمثیلی و نمادین یا همه جانبه ۹۵
- ۷-۵ نحوه خلق شخصیت واقعی ۹۵
- ۸-۵ تحلیل شخصیت ۹۷
- ۹-۵ شخصیت و شخصیت پردازی در داستان کوتاه ۹۷
- تعریف شخصیت پردازی ۱۰۰
- تفاوت شخصیت پردازی و شخصیت سازی ۱۰۰
- شیوه های شخصیت پردازی ۱۰۱
- ۱- شیوه روایتی ۱۰۱
- الف- توصیف ۱۰۱
- ب- روایت ۱۰۳
- ۲- شیوه نمایشی ۱۰۳

- ۳- بهره گیری از نام شخصیت ۱۰۵
- ۱۰-۵ شخصیت پردازی در شیوه جریان سیال ذهن ۱۰۸
- ۱۱-۵ شخصیت پردازی روان شناسانه ۱۰۸
- ۱۲-۵ دانشور و مسئله جنسیت شخصیت داستانی ۱۰۹
- نمودار- ۱ ۱۱۴
- نمودار- ۲ ۱۱۵
- فصل ششم ۱۱۶
- پیرنگ (طرح) Plot ۱۱۶
- ۱-۶ ریشه لغوی پیرنگ ۱۱۶
- ۲-۶ پیشینه توجه به پیرنگ ۱۱۶
- ۳-۶ تعریف پیرنگ ۱۱۸
- ۴-۶ تفاوت طرح با روایت / داستان / نقل ۱۲۰
- ۵-۶ عناصر مرتبط با پیرنگ ۱۲۱
- ۱-۵-۶ حادثه (واقعه) ۱۲۲
- کارکرد حادثه در شخصیت پردازی ۱۲۳
- تقسیم داستان بر اساس حوادث ۱۲۳
- کارکرد حادثه فرعی در پیرنگ ۱۲۴
- ۱- ازدواج ۱۲۴
- ۲- عشق ۱۲۵
- ۳- فرزند و دل بستگی های آن ۱۲۵
- ۴- زنان در برابر زنان ۱۲۵
- ۵- سیاست ۱۲۶
- ۶- آزار و اذیت جسمی ۱۲۶
- ۲-۵-۶ کارکرد صحنه در شخصیت پردازی و تاثیر آن در پیرنگ ۱۲۶

- کارکرد صحنه در حادثه ۱۲۶
- ۳-۵-۶ ارتباط زاویه دید با پیرنگ ۱۲۷
- ۶-۶ عناصر ساختاری پیرنگ ۱۲۷
- گره افکنی ۱۲۹
- کشمکش ۱۲۹
- ۱- کشمکش جسمانی ۱۳۰
- ۲- کشمکش ذهنی ۱۳۱
- ۳- کشمکش عاطفی ۱۳۱
- ۴- کشمکش اخلاقی ۱۳۱
- تعلیق (هول و ولا) ۱۳۲
- بحران ۱۳۳
- نقطه اوج (بزنگاه) ۱۳۳
- گره گشایی ۱۳۴
- ۷-۶ پایان داستان های پیرنگ دار ۱۳۵
- ۸-۶ تکنیک غافل گیری (شیوه پایان شگفت انگیز داستان) ۱۳۵
- ۹-۶ ویژگی پیرنگ در داستان کوتاه ۱۳۵
- ۱۰-۶ اسکلت پیرنگ ۱۳۶
- ۱۱-۶ اشکال پیرنگ ۱۳۶
- ۱۲-۶ مشکلات پیرنگ در داستان های کلاسیک ۱۳۶
- ۱۳-۶ فرم پیرنگ ۱۳۸
- ۱۴-۶ پیرنگ باز و بسته ۱۴۰
- ۱۵-۶ شکل شکنی ساختار داستان ۱۴۱
- ۱-۱۵-۶ تکنیک داستان در داستان ۱۴۱

۱۴۳	فصل ششم.....
۱۴۳	تحلیل درون مایه.....
۱۴۳	تعریف درون مایه.....
۱۴۳	انواع درون مایه.....
۱۴۳	۱- درون مایه جسمانی.....
۱۴۳	۲- درون مایه عضوی و ارگانیک.....
۱۴۳	۳- درون مایه اجتماعی.....
۱۴۳	۴- درون مایه نفسانی و فردی.....
۱۴۳	۵- درون مایه ربانی- خارق العاده.....
۱۴۴	تفاوت درون مایه با پیام.....
۱۴۴	تعریف موضوع.....
۱۴۵	تفاوت درون مایه با موضوع.....
۱۴۵	ارتباط درون مایه با دیگر عناصر داستان.....
۱۴۶	شیوه‌های ارائه مضمون.....
۱۴۷	داستان نویس و مورخ.....
۱۴۹	تحلیل درون مایه ای.....
۱۴۹	آتش خاموش.....
۱۵۱	سیر جریان های ادبی در بستر سال های ۱۳۲۰-۱۳۳۲.....
۱۵۳	شهری چون بهشت.....
۱۵۳	تحلیل درون مایه ای.....
۱۵۵	شهری چون بهشت، بازتاب فضای اختناق آمیز.....
۱۵۵	فضا.....
۱۵۵	فضای ارجاعی.....

- ۱۵۶..... فضای کارکردی..... فضای کارکردی
- ۱۵۶..... فضای هشدار دهنده..... فضای هشدار دهنده
- ۱۵۶..... اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد..... اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد
- ۱۵۸..... درون مایه های سیاسی- اجتماعی و فرهنگی مجموعه داستان شهری چون بهشت..... درون مایه های سیاسی- اجتماعی و فرهنگی مجموعه داستان شهری چون بهشت
- ۱۵۸..... ترسیم چهره استبداد..... ترسیم چهره استبداد
- ۱۶۱..... خلاصه داستان:..... خلاصه داستان:
- ۱۶۴..... مضمون گریز از واقعیت..... مضمون گریز از واقعیت
- ۱۶۴..... الف- گرایش به رؤیا، افسانه، خیال و اسطوره..... الف- گرایش به رؤیا، افسانه، خیال و اسطوره
- ۱۶۵..... ب- گرایش به جادو و خرافات..... ب- گرایش به جادو و خرافات
- ۱۶۵..... ج- تکرار خاطرات گذشته..... ج- تکرار خاطرات گذشته
- ۱۶۶..... د- گرایش به مندرهای شهوانی..... د- گرایش به مندرهای شهوانی
- ۱۶۶..... تبعیض طبقاتی..... تبعیض طبقاتی
- ۱۶۶..... تقدیر گرایی و اعتقاد به جبر و سرنوشت..... تقدیر گرایی و اعتقاد به جبر و سرنوشت
- ۱۶۷..... پناه جستن به ذهنیات کودکانه..... پناه جستن به ذهنیات کودکانه
- ۱۶۷..... یأس و ناامیدی و احساس شکست از سلطه استبداد..... یأس و ناامیدی و احساس شکست از سلطه استبداد
- ۱۶۸..... موضوع داستان های مجموعه «به کی سلام کنم؟»..... موضوع داستان های مجموعه «به کی سلام کنم؟»
- ۱۶۹..... اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهه ۴۰-۵۷..... اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهه ۴۰-۵۷
- ۱۷۰..... درون مایه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی «به کی سلام کنم؟»..... درون مایه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی «به کی سلام کنم؟»
- ۱۷۱..... الف- فرهنگ مصرفی..... الف- فرهنگ مصرفی
- ۱۷۲..... ب- غارت ارزش های ملی و اساطیر..... ب- غارت ارزش های ملی و اساطیر
- ۱۷۲..... ج- تشمت فکری و از خود بیگانگی..... ج- تشمت فکری و از خود بیگانگی
- ۱۷۲..... د- اعتراض..... د- اعتراض
- ۱۷۳..... ر- پناه جستن به ذهنیات کودکانه..... ر- پناه جستن به ذهنیات کودکانه
- ۱۷۳..... تحلیل محتوایی مجموعه انتخاب..... تحلیل محتوایی مجموعه انتخاب

- الف- حسب حال ۱۷۴
- ب- توجه روان شناسانه ۱۷۵
- ج- تنهایی ۱۷۶
- د- غم غربت ۱۷۶
- تأثیرات اقلیمی بر مضامین داستان های دانشور ۱۷۷
- الف - بی محابایی در پرداختن به رابطه های آشکار و پنهان جنسی ۱۷۷
- ب- آرزومندی ظهور یک نجات بخش ۱۷۷
- ج- طرف داری از بازگشت به خویشتن ۱۷۷
- د- ناداری و ناآگاهی ، اساس انحرافات اجتماعی ۱۷۸
- اندیشه های آزمانی دانشور ۱۷۹
- نتیجه گیری ۱۸۷
- اعلام ۱۸۹
- کتابنامه ۱۹۴
- فهرست مقالات ۱۹۸
- چکیده انگلیسی

چکیده پایان نامه

پژوهش حاضر، به بررسی شیوه‌های داستان‌پردازی داستان‌های کوتاه «سیمین دانشور» پرداخته است. در ابتدا به منظور درک بهتر داستان‌ها به کارنامه علمی، ویژگی‌های شخصیتی، آثار و سبک داستان‌نویسی وی پرداخته شده است. سپس در کنار تعریف ادبیات داستانی به پیدایش داستان کوتاه و نوع‌آوران و آغازگران این نوع ادبی اشاره گردیده پس از آن به روند تکاملی داستان کوتاه پرداخته شده است. همچنین به منظور آشنایی با شکل‌گیری داستان کوتاه در ایران، عوامل زمینه‌ساز در تحول داستان‌نویسی ایران و پیشگامان ادبیات داستانی مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجایی که داستان‌های مورد بررسی این پژوهش، از منظر یک زن نگارش یافته به حضور زنان در عرصه داستان‌نویسی نیز اشاره مختصر گردیده است.

همچنین در این پژوهش، به تعریف و بررسی عناصری چون: زاویه دید، شخصیت، پیرنگ، محتوا پرداخته شده و شگردهایی که نویسنده از این عناصر در راستای پیشبرد هر چه بهتر داستان بهره جسته است با ارائه شاهد مثال‌هایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

با بررسی تکنیک‌های به کار رفته در هر یک از عناصر داستانی معلوم گردید که شخصیت‌های اصلی بیشتر داستان‌های دانشور زنان هستند. او به بیان معضلات فکری، روحی، فرهنگی و اجتماعی که زنان مبتلا به آنهایند، پرداخته است. در عنصر پیرنگ، داستان‌های دانشور اغلب پیرنگ‌هایی ساده دارند؛ هر چند در برخی از آنها با حذف یا تغییر تعدادی از عناصر سنتی پیرنگ مواجه هستیم، لیکن پیچیدگی خاصی در آنها مشهود نمی‌باشد اغلب سیر خطی وقایع، توالی منطقی و طبیعی دارند.

در تحلیل محتوایی آثار داستانی دانشور، مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همچون اختلاف طبقاتی، معضلات اخلاقی، فقر اقتصادی و فرهنگی، نفوذ و تسلط فرهنگی و سیاسی بیگانگان در ادوار مختلف تاریخی، سرگردانی اعتقادی و سیاسی جوانان، ایستادگی در برابر جور و ستم و... را دست‌مایه آثار خود قرار داده است.

شایان ذکر است، مکتب ادبی دانشور رئالیسم است. اما وی در چند داستان کوتاه و دو داستان بلند اخیرش به پست مدرنیسم گرایش یافته است و برخی از ویژگی‌های این مکتب همچون فرا داستان و حضور نویسنده در متن، برهم زدن سیر خطی داستان و تغییر زاویه دید (تسری سرگردانی به خواننده)، جریان سیال ذهن در داستان‌ها به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: سیمین دانشور، داستان کوتاه، زاویه دید، شخصیت‌پردازی، فرا داستان، جریان سیال ذهن، پیرنگ،

تحلیل محتوای

دیباچه

گرچه داستان کوتاه، محصول جامعه صنعتی و مدرن است و اولین نظریه پرداز آن با نام یک منتقد آمریکایی - ادگار آلن پو - رقم خورده است؛ با این حال، داستان کوتاه نوع ادبی، آشنا و مرسوم برای جامعه فرهنگی ماست و این امر بی-شک، ریشه در ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی و سنت دیرپای ادبی ما دارد. چرا که هیچ نوع ادبی از عدم به وجود نیامده است.

در ایران، داستان کوتاه بر ذهنیتی که بر بستر حکایت‌نویسی و حکایت‌شنوی ایجاد شده بود، شکل گرفت. گنجینه ادب منظوم و مثنوی ما سرشار از داستان‌هایی است که به منظور تفهیم هرچه مؤثرتر و بهتر بر مخاطبان از اشکالی نظیر (مثل، تمثیل اخلاقی، افسانه تمثیلی) بهره‌جسته است، اگرچه این اشکال، به لحاظ ساختاری با داستان کوتاه امروزی متفاوت است اما همین امر، حکایت از اهمیت داستان در ادب ما دارد.

امروزه، در همه زمینه‌های ادبی و هنری، همه چیز به سوی ایجاز و اختصار می‌گراید. عرصه داستان‌نویسی نیز از این چالش مهم و عمده ادبیات برکنار نمانده است.

گزیده‌گویی به ساختارهای عقلانی بشر هم نزدیک است، چرا که پرگویی، همواره و در هر حال مذموم و ملال‌آور است، گذشتگان ما نیز به اهمیت کوتاه‌نویسی آگاه بودند. برای نمونه نظامی در کلیات خمسه اهمیت کوتاه‌نویسی را این-گونه بیان نموده است:

با این که سخن به لطف آب است	کم گفتن هر سخن ثواب است
آب ار چه همه زلال خیزد	از خوردن پسر، ملال خیزد
کم گوی و گزیده گوی چون دُر	تا ز اندک تو جهان شود پُر
لاف از سخن چو در توان زد	آن خشت بود که پسر توان زد

(لیلی و مجنون/ ۷۳/ ۲۸-۳۱)

برای داوری در زمینه کوتاه‌نویسی و شیوه‌های داستان‌پردازی آن، قواعد خاص و آسانی در دست نیست. اما با بررسی سهم هر عنصر داستانی می‌توان میزان موفقیت نویسنده را در ارائه مقصود اصلی وی در داستان نشان داد.

چرا که هر داستان خوب دارای کلیتی اندام‌وار است که هر عنصر با سایر عناصر در جهت تکمیل مقصود اصلی نویسنده همکاری دارد. در هر داستان که شیوه‌های گنجاندن عناصر در وحدتی اندام‌وار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، حد و بسط عناصر به کار رفته نیز باید مورد داوری قرار گیرد پس نویسنده می‌تواند در حد امکان خویش تکنیک‌ها و شیوه‌هایی در جهت داستان‌پردازی برگزیند که اندیشه‌ها و عواطف او را به وضوح هر چه بیشتر بنمایاند.

از این روی، بررسی فنون و شیوه‌های داستان‌پردازی در نقد آثار داستانی به کار می‌آید و ادبیات داستانی بر پایه ضابطه علمی مورد سنجش قرار می‌گیرد و قضاوت و داوری که بر مبنای حبّ و بغض است، سرانجام قاعده‌مند می‌گردد و آثار داستانی دیگر، بر اساس سلیقه و ذوق شخصی مورد ارزیابی واقع نمی‌شوند.

این مسئله یعنی بررسی شیوه‌های داستان‌پردازی، در داستان‌های سیمین دانشور توجه بیشتری می‌طلبد و آن چه اهمیت این ضرورت را پیرامون این ژانر برای نگارنده دو چندان می‌کند، نخست جایگاه ویژه دانشور در میان نویسندگان

معاصر و دو دیگر، مسئله «زن نوشت» بودن این آثار می‌باشد. از آن جا که دانشور، نخستین زن داستان‌نویس ایران است و این امر نشان آن دارد که زنان دیرگاهی است در عرصه داستان‌نویسی ایران حضوری پویا و پررنگ دارند و فارغ از دسته‌بندی‌های جنسی، به عنوان گروهی از کسانی که می‌خواهند با زبان، بیان، اندیشه، افکار و آرای خویش را عرضه کنند، در این زمینه کوشش‌ها کرده‌اند. داستان‌های دانشور ثابت کرد که در کنار و با طیف دیگر نویسندگان، مردان، که سابقه طولانی‌تری در این عرصه دارند، توان آن را دارد که نوعی ادبیات منشور و داستانی را به منصفه ظهور برساند.

دانشور به عنوان نخستین زن نویسنده ایرانی، در عرصه داستان‌نویسی پرچم‌دار بیان خواست‌ها، نارسایی‌ها و ناتوان-پنداری‌های دیگران درباره زنان شد. همچنین نمایان‌گر جلوه‌هایی از «زن زیاله» و «زن هدف» بودن (تعبیر دانشور) گردید. در این مسیر بسیار بوده‌اند اهل قلمانی که با درک ضرورت‌ها و بایست‌ها در نقد و بررسی آثار نویسندگان زن قدم-هایی برداشته‌اند اما تاکنون تحقیق جامعی درباره شیوه‌های داستان‌پردازی در آثار دانشور صورت نگرفته است. کتابی با عنوان «جدال نقش با نقاش در آثار دانشور» توسط هوشنگ گلشیری در دسترس است که در آن به میزان تاثیر پذیری دانشور از جلال آل‌احمد و بررسی دو مجموعه داستان «آتش خاموش» و «شهری چون بهشت» و داستان بلند «سووشون» پرداخته است. هم چنین در کتاب‌هایی نظیر «صد سال داستان نویسی» از حسن میر عابدینی و «کارنامه نثر معاصر» نوشته حمید عبداللهیان، «داستان کوتاه در آینه نقد» هلن اولیائی نیا آثار دانشور را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین در نشریات مختلف، گفت‌وگوهایی با ایشان و مقالاتی درباره معرفی آثار وی به چاپ رسیده است. اما بیشتر کتاب‌ها و مقالات موجود تنها به اولین داستان بلند دانشور- سووشون- و داستان‌های کوتاه نخستین وی پرداخته‌اند.

با پذیرش این بایسته‌ها این رساله بر آن بوده است تا به بررسی شیوه‌های داستان‌پردازی مجموعه داستان‌های کوتاه دانشور به عنوان چهره‌ای بلامنازع و تثبیت شده در ادبیات داستانی ایران بپردازد.

بدین منظور، این پایان نامه بر آن است پاسخ‌هایی کما بیش روشنی برای پرسش‌های زیر بیابد:

- نویسنده برای ارائه احساس و تجربه درونی شخصیت به چه زاویه دیدی محدود شده است.
- شخصیت‌هایی که در داستان‌های کوتاه دانشور حضور دارند، دارای چه ویژگی‌هایی هستند و تصویر شخصیت محوری هر داستان چگونه پرداخته شده است. آیا شخصیت‌پردازی نویسنده امکان همذات‌پنداری خواننده با شخصیت را میسر می‌سازد.

- فرم پیرنگ داستان‌ها چگونه است و سیر خطی و توالی پیرنگ داستان‌ها چگونه است؟

- مهم‌ترین دست‌مایه دانشور در بیان محتوایی مجموعه آثارش که با یاری دیگر عناصر پدید آمده است، چیست؟

این نوشتار برای دستیابی به هدف‌هایی که فرا روی خویش دارد ابتدا، به منظور آگاهی خواننده از نویسنده اثر، به زندگی‌نامه سیمین دانشور و کارنامه علمی وی پرداخته است. آن‌گاه به گونه‌ای گذرا به تاریخ داستان کوتاه‌نویسی و رمان با معرفی چند تن از نوع‌آوران در عرصه داستان کوتاه پرداخته است؛ گفتنی است مطالب این فصل به جهت ماهیت تعریفی‌اش از نقل قول بیشتری (اعم از مستقیم و غیر مستقیم) نسبت به فصول اختصاصی استفاده شده است که این امر به جهت اهمیت فصل تعاریفات طبیعی به نظر می‌رسد. در ادامه به بررسی تکنیک‌ها و شیوه‌هایی که نویسنده در راستای مقصود و اندیشه‌های خود بهره برده است و هر داستان با توجه به ویژگی‌های عناصر داستانی آنها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است و شواهد مربوط به هر عنصر را از میان داستان‌ها استخراج نمودم. بدیهی است در آثار و داستان‌هایی که برخی تکنیک‌ها ضعیف و جلوه چندان نداشته است، به مروری گذرا اکتفا کرده‌ایم. در پایان تمامی عناصری که در یک شبکه در هم تنیده‌ای جمع گردیده‌اند تا محتوای اثر را به طرز ملموس و مؤثری جلوه دهند مورد تحلیل قرار گرفته است.

شایان ذکر است، جریان‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر اثر به عنوان عامل مهم در شکل‌گیری محتوا به طور مبسوط شرح داده شده است.

اگر بخواهیم نیروی هنری قصه‌نویس یا شاعری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، باید حرکت تکنیک او را در برابر موضوعی که پیش رو دارد در نظر بگیریم و قضاوت نهایی ما باید مبتنی بر انطباق و سازگاری هنرمندانه تکنیک و موضوع باشد.^۱ به هر حال، داستان هنگامی بر خواننده تأثیر عمیقی می‌گذارد که ساختمان آن مطابق با نوع عنصر عمده آن برگزیده شود.

شایان ذکر است، روابط تردیدناپذیری میان تک‌تک عناصر نویسندگی وجود دارد که اغلب تفکیک آنان از همدیگر را لوازم دشوار و گاه ناممکن می‌سازد چنان که هر یک از عناصر در مجموع، شبکه در هم تنیده‌ای را تشکیل می‌دهند. بنابراین، جداسازی‌های ما بیشتر جنبه صوری، موقتی و قراردادی دارد و به خاطر آن است که برقراری ارتباط، شناخت و فراگیری را آسان کند چرا که داستان از اجزا و عناصری تشکیل یافته است: درون‌مایه، موضوع، شخصیت و شخصیت‌پردازی، زاویه دید، طرح (پیرنگ)، صحنه و صحنه‌پردازی، گفت‌وگو، فضا و رنگ، لحن، سبک، نماد و ... این اجزا و عناصر با یکدیگر ترکیب و آمیخته می‌گردند و یک کل منسجم و یکپارچه‌ای را می‌سازند که عبارت از داستان است. در نگاه اول، این عناصر در یک داستان به آسانی قابل درک نیستند. اما ما برای شناخت و تحلیل شیوه‌های داستان‌پردازی، این عناصر در هم تنیده را دوباره از یکدیگر جدا می‌سازیم.

به نظر می‌رسد که چهار عنصر زاویه دید، شخصیت، پیرنگ و محتوای داستان بیش از دیگر عناصر داستانی نقش عمده‌ای را در ساختار داستان برعهده دارند. از این رو از بین تمام عناصر اصلی و تابع که ساختار داستان را تشکیل می‌دهند این چهار عنصر را بر می‌گزینیم و به معرفی و تشریح آنها می‌پردازیم تا در فصل‌های آتی به بررسی چگونگی و کیفیت‌ها آنها در مجموعه داستان‌های کوتاه خانم دانشور بپردازیم.

سیمین دانشور، فاصله بین نویسنده‌ای تازه و ضعیف را تا نویسنده‌ای توانا در مدت طولانی طی کرده است. در داستان‌های اولیه وی ضعف‌های متعدد به چشم می‌خورد در حدی که می‌توان مجموعه نخست او را داستان ندانست، بلکه انواع دیگر ادبی مثل: مقاله یا نثر ادبی به شمار آورد. به همین منظور در این رساله به مجموعه آتش خاموش توجه کمتری شده است.

شایان ذکر است، نگارنده تا آنجا که ممکن بود مطالب ارجاعی را با نقل قول مستقیم در متن آورده است اما آنجا که نثر و زبان نویسندگان ناهماهنگی فاحشی با متن رساله داشت و موجب عدم یکدستی متن رساله می‌گردید هم به این جهت وهم به دلیل ارائه نظرات شخص نگارنده در متن، چه در نثر چه نحوه نگارش آن به منظور یکدستی متن رساله به ارجاعات دست بردم.

۱. براهنی، ص ۳۴۶